



رهن از لحاظ لغوی معنی ثبوت و دوام و بازداشتن دارد و در اصطلاح و قانون عبارت از عقدیست که مدیون مالی را وثیقه دین و تعهد خود قرار میدهد. چون در عقد رهن عین مرهونه یعنی مالیکه مدیون نزد دائن وثیقه میگذارد از نقل و انتقال بازداشته میشود و مادام که فك نشود مالك نمی تواند هر طور بخواهد نسبت بدان مالکانه اراده و اختیار کند. اصطلاح حقوقی آن با معنی لغویش نزدیک و مربوط میگردد.

نظر باینکه اساس قانون مدنی ایران برمبانی فقه اسلامی استوار است باید اول سوابق عقد رهن را در فقه جستجو و بعد از جنبه مدنی طرح و بررسی کنیم. در قرآن این آیه راجع برهن است :

وان کنتم علی سفر و لم تجدوا کتاباً فراهان مقبوضه. استنباط بعضی از فقها از ان کنتم علی سفر این است که عقد رهن فقط باید در سفر واقع شود و شهری‌ها محرومند.

ولی بدو دلیل که یکی اجماع و دیگری سنت باشد رهن در حضر هم جائز است.

سنت فعل و تقریر نبی است که حضرت رسول (ص) زره مبارک را نزد یک نفر یهودی در حضر برهن گذاردند.

عقد رهن بدون اجرای صیغه مخصوص و صرفاً بمعاطات نیز واقع میشود ولی شرط صحت آن این است که عین مرهونه بقبض مرتهن در آید.

در بحث رهن فقها اغلب متوجه گروگان بوده و از خود عقد تعریفی نکرده‌اند و ضمن ماده ۷۷۱ قانون مدنی ایران اینطور تعریف شده که رهن عقدی است که بموجب آن مدیون مالی را برای وثیقه بدائن میدهد و از اطلاق کلمه مال اینطور استنباط میشود که منقول و غیرمنقول هر دو را شامل است.

طبق ماده ۷۸۷ قانون مدنی عقد رهن نسبت بمرتهن جائز و نسبت براهن لازم است از این نظر نسبت بمرتهن جائز است که عقد بنا بر مصالح او واقع شده و مختار است که هر وقت بخواهد طلب خود را بدون وثیقه بگذارد و از مورد رهن صرف نظر کند.

خود عقد رهن نسبت براهن لازم است یعنی جائز الطرفین نیست مانند عقود جائزه و بقوت یکی از طرفین منسوخ نمیشود و در ماده ۷۸۸ تصریح شده که بموت راهن یا مرتهن رهن فسخ نمیشود و در صورت فوت مرتهن راهن می‌تواند تقاضا کند که رهن بتصرف شخص ثالثی که به تراضی او و ورثه تعیین گردد داده شود و در صورت عدم تراضی شخص ثالث را حاکم معین میکند.

در رهن نیز قصد و رضا و اهلیت قانونی و مشروعیت جهت معامله لازم است و طرفین باید واجد شرایط مقرر در ماده ۱۹۰ باشند.

هر گاه يك نفر يك مال را در قبال دو یا چند دین به دو یا چند نفر رهن بدهد باید مرتبه‌ن ترازی کنند که مورد رهن در تصرف چه کسی باشد.

اگر قرار مخصوصی داده نشده باشد و رهن مقداری از بدهی خود را بپردازد حق ندارد مقداری از رهن را مطالبه کند و مرتبه‌ن می‌تواند تا وصول آخرین رقم طلب خود تمامی مورد رهن را در قید رهانت نگهدارد.

ماده ۷۷۴ میگوید «مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منقعت باطل است» زیرا مورد رهن باید به قبض مرتبه‌ن در آید و قبض دیون و منافع حساً مقدور نیست.

قبض شرط صحت عقد رهن است ولی استمرار قبض الزامی و شرط صحت معامله نیست.

پس از انقضای موعد مرتبه‌ن حق دارد گروگان را از طریق قانونی بفروش برساند و اگر شرط شود که حق فروش ندارد شرط خلاف مقتضای عقد و باطل و بدستور ماده ۲۳۳ مبطل عقد هم میباشد هم چنین است در صورتیکه شرط شود که در صورت تخلف در پرداخت بستانکار مالک مورد رهن گردد زیرا بموجب قوانین جاریه اگر گروگان به قیمتی بیش از طلب مرتبه‌ن فروخته شود مازاد مال مالک است و در صورت براءت ذمه مدیون مرتبه‌ن باید مورد رهن را رد و از آن رفع ید کند و اگر مطالبه شود و رد ننماید ضامن خواهد بود و لوائیکه تقصیری نکرده باشد.

اگر ما بتوانیم

عشق بدانائی و محض هم حقایق

و کشف علل را در خوانندگان گرمی

به جنبش آریزم و تقوایی را که متضمن

محبت عمومی و عاری از غرض

خصوصی است حرکتی ما میسر آنچه

میجویم خود به سر اعمان خواهد آمد